

سندی دیگر درباره تاریخ ولادت، مهاجرت و فوت بنداری مترجم شاهنامه به عربی

سجاد آیدنلو

دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور اورمیه
aydenloo@gmail.com

پس از ترجمه عربی اثیرالملک نیشابوری از شاهنامه - که متأسفانه تا امروز فقط خبر آن به دست ما رسیده است و از متنش نشانی نیست (در این باره، نک. شفیع کدکنی، ۱۳۸۴: ۳۳۷-۳۴۱) - قوام‌الدین فتح‌بن علی بنداری اصفهانی نخستین کسی است که حماسه ملی ایران را به عربی برگردانده است. او کار خویش را در جمادی الاولی سال ۶۲۰ق در دمشق آغازیده و در سؤال سال بعد (۶۲۱ق) به نام ملک معظم عیسی بن عادل (حک. ۶۱۵-۶۲۴ق)، از فرمانروایان ایوبیان دمشق، تمام کرده است. گزارش عربی بنداری، کامل و بیت‌به‌بیت نیست و او شاهنامه را به صورت خلاصه شده (احتمالاً حدود سی و هفت هزار بیت آن را) به عربی ترجمه کرده است (برای آگاهی بیشتر درباره ترجمه بنداری، نک. آذرنوش، ۱۳۸۳: ۵۷۸-۵۷۹؛ یاققی، ۱۳۹۱: ۱۲۶-۱۲۹) ولی به دلیل سادگی و روانی زبان/نثر بنداری و مهم‌تر از آن، استفاده او از نسخه‌ای از شاهنامه که کهن‌تر از دستنویس‌های فعلاً موجود بوده است، کار وی بسیار ارزشمند و یکی از منابع جنبی مهم در تصحیح و تحقیق شاهنامه است (در این باره، نک. خالقی مطلق، ۱۳۸۱: ۲۹۹-۳۰۱).

ظاهراً قدیم‌ترین منبعی که گزارش احوال بنداری را آورده، کتاب مفصل قلائد الجمان فی فرائد الشعراء هذا الزمان تألیف ابن‌الشعار موصلی (د. ۶۵۴ق) است، که خود معاصر بنداری بوده و او را دیده بوده است. در این کتاب اشاره‌هایی به زندگی بنداری (مانند سال زادن، تاریخ آمدن او از اصفهان به دمشق، سال وفات و نام بعضی آثارش) دیده می‌شود، که در مآخذ دیگر نیست

و کسانی که به شرح حال او پرداخته‌اند بدانها توجه نکرده‌اند. دکتر شفیع کدکنی در مقاله‌ای این نکات را شناسانده و بررسی کرده‌اند (نک. شفیع کدکنی، ۱۳۸۹: ۹۸-۱۰۳).

احتمالاً پس از قلائد الجمان، کتاب مجمع الآداب فی معجم الالقاب ابن‌فوطی دومین مأخذ کهنی است که شرح کوتاهی درباره بنداری آورده و شامل نکته‌های تازه‌ای است؛ این کتاب هم مانند قلائد الجمان مورد توجه و استفاده نویسندگان زندگی‌نامه بنداری نبوده است. مجمع الآداب تألیف ابن‌فوطی (زاده ۶۴۲ق در بغداد و درگذشته ۷۲۳ق در همان شهر) - که گویا خلاصه اثر پنجاه‌جلدی اوست - گزارش احوال ۵۹۲۱ نفر از بزرگان علم و سیاست، از پیش از اسلام تا زمان مؤلف، در جغرافیای بسیار گسترده‌ای از ماوراءالنهر و هند و ایران تا اندلس است. ابن‌فوطی برای تألیف این کتاب از حدود ۲۳۰ منبع بهره برده و با ۵۳۸ نفر از معاصران خویش نیز دیدار و گفت‌وگو کرده است. در مواردی گزارش او درباره برخی اشخاص، تنها مأخذ موجود است و جز مجمع الآداب در جایی دیگر نمی‌توان درباره این کسان آگاهی‌ای به دست آورد. بر همین اساس مجمع الآداب یکی از مأخذ مهم رجالی و کتاب‌شناسی است، که با بررسی دقیق آن اطلاعات جدید و سودمندی درباره بعضی بزرگان فرهنگ و ادب ایران و آثار آنها به دست می‌آید (برای آگاهی بیشتر درباره ابن‌فوطی و مجمع الآداب نک. رحیم‌لو، ۱۳۸۵: ۴۲۲-۴۲۷؛ میزوکامی، ۱۳۹۵: ۲۰-۴۳).

ابن‌فوطی ذیل نام «قوام‌الدین ابوابراهیم الفتح‌بن علی بن محمد بن الفتح بن احمد بن هبة‌الله البنداری الاصفهانی الأديب المنشی» نوشته است:

أحد فضلاء الدهر و نبلاء العصر نثره كوشى البرود، و نظمه كنظم العقود و سلافة العنقود، دخل بلاد الشام و كان من تلامذة عماد الدين الكاتب، و كان كاتباً سديداً ترجم كتاب «شاهنامه» من نظم الفردوسی الطوسی لأجل الملك المعظم عیسی بن العادل، رأيتها بخطه، و انتخب كتاب «البرق الشامی» فی كتاب سماء «سنا البرق الشامی» و انتخب كتاب «نصرة الفترة و عصرة الفطرة» للعماد فی كتاب سماء «زبدة النصرة و نخبة العصرة» و له أشعار و رسائل و كان مولده فی منتصف شعبان سنة ست و ثمانین و خمسمائة و فارق وطنه و أقام بدمشق سنة أربع عشرة و ستمائة، و كانت وفاته بدمشق فی شهر ربیع الآخر سنة ثلاث و أربعین و ستمائة (ابن‌فوطی، ۱۴۱۶ق: ۳/ ۵۲۰-۵۲۱).

هم باید صاحب نظران بر اساس هشتاد و سه بیت منقول از او در قلائد الجمان داوری کنند. چند بیت از قصیده کمال اصفهانی را در اینجا می آوریم (کمال اسماعیل، ۱۳۴۸: ۵۵۷):

... بگو که ای ز معانی خوب و سیرت نیک
به جای آنکه به هر مدحتی سزاواری
به رسته های چمن بر مجاهزان بهار
همه ز کیسه خلقت کنند عطاری
چو تو عرایس افکار خویش جلوه دهی
شود ز شرم رخت آفتاب گلناری
سیاه روی کند همچو زاغ، طوطی را
زبان کلک تو آنگام نغزگفتاری

۲. ابن فوطی، بنداری را از شاگردان عمادالدین کاتب معرفی کرده است، ولی همان گونه که محمدالکاسم مصحح مجمع الآداب در پانویس متذکر شده است، این نکته نمی تواند درست باشد (ابن فوطی، ۱۴۱۶ق: ۳/ ۵۲۰). پانویس ۲، زیرا عمادالدین کاتب اصفهانی - معروف به عماد کاتب اصفهانی (۵۱۹-۵۹۷ق) ادیب، شاعر، فقیه و مورخ مشهور سده ششم - پیش از زادن بنداری از اصفهان به در آمده و از سال (۵۶۲ق) در شام و سرزمین های دیگر بوده و در دمشق فوت کرده است (درباره عماد کاتب نک. ناجی، ۱۳۹۱: ۶۷۴-۶۷۹)؛ در حالی که بنداری، به نوشته خود ابن فوطی، در سال ۶۱۴ق یعنی هفده سال پس از مرگ عماد کاتب از اصفهان به دمشق آمده و نمی توانسته است محضر او را درک بکند. بنداری هنگام درگذشت عماد کاتب، نوجوانی یازده ساله در اصفهان بوده است. شاید چون بنداری دو کتاب البرق الشامی و نصره الفتره و عصره الفطره عماد کاتب را تلخیص کرده، ابن فوطی دچار این سهوشده و او را شاگرد عماد معرفت کرده است.

۳. ابن فوطی نوشته که دستنویسی از ترجمه عربی بنداری از شاهنامه را به خط خود او دیده است. متأسفانه این نسخه خطی تا کنون به دست نیامده یا شناخته نشده است، و کهن ترین دستنویس موجود از ترجمه عربی بنداری، مورخ ۶۷۵ق است که در برلین نگهداری می شود (افشار، ۱۳۹۰: ۲۷۵). ترجمه بنداری در سال های ۶۲۰-۶۲۱ق

مطابق این گزارش، بنداری یکی از دانشمندان و بزرگان روزگار خویش بود. نثری (به نرمی و زیبایی) نقش و نگار پارچه های گران بهای نوشت و شعر را (به نظم و پیوستگی) رشته های گردن بند و (شیرینی) آب رز می سرود. او (از اصفهان) به سرزمین شام رفت و از شاگردان عمادالدین کاتب (اصفهانی) بود. بنداری نویسنده ای راست گفتار و استوار سخن بود و شاهنامه فردوسی را برای ملک معظم عیسی بن عادل ترجمه کرد، که ابن فوطی نسخه ای از آن را به خط خود بنداری دیده بود. او گزیده ای / تلخیصی از کتاب البرق الشامی فراهم آورد به نام سنا البرق الشامی و کتاب نصره الفتره و عصره الفطره عماد کاتب را در اثری با عنوان زبدة النصره و نخبة العصره خلاصه کرد. بنداری اشعار و رساله هایی نیز دارد. وی در نیمه شعبان ۵۸۶ق زاده شد، در سال ۶۱۴ق از زادگاهش (اصفهان) بیرون آمد و در دمشق اقامت گزید، و در ربیع الآخر سال ۶۴۳ق در همانجا (دمشق) درگذشت.

پیش از اینکه به بررسی اشارات مهم ابن فوطی درباره بنداری بپردازیم، این نکته را باید یادآوری کنیم که چون قلائد الجمان ابن الشعار یکی از منابع تألیف مجمع الآداب بوده است (نک. میزوکامی، ۱۳۹۵: ۴۲). دور نیست که ابن فوطی پاره ای از آگاهی های مربوط به بنداری، از جمله تاریخ ولادت و سال درگذشت او را - که فعلاً غیر از این دو کتاب در منبع دیگری نیست - از قلائد الجمان استفاده کرده باشد. البته چنان که خواهیم دید، سال رفتن بنداری از اصفهان و ماه وفات او در گزارش ابن فوطی با گفته ابن الشعار تفاوت دارد.

اما نکات در خور بحث مجمع الآداب درباره بنداری:

۱. ابن فوطی نثر و نظم بنداری را با تشبیه به «وشی البرود» (نقش پارچه های کرماند)، «نظم العقود» (رشته منظم گردن بندها) و «سلافة العقود» (آب انگور) به روانی و نیکی ستوده است. کمال الدین اصفهانی، شاعر نامدار و هم روزگار بنداری نیز در قصیده ای که برای بنداری سروده و نزد او به دمشق فرستاده، به «معانی خوب»، «عرایس افکار» و «گفتار نغز» بنداری اشاره کرده است و این نشان می دهد که او در نظم و نثر توانا و در نظر معاصران سخن شناسش به گشاده زبانی معروف بوده است. قدرت و مهارت بنداری در نثرنویسی از انشای وی در ترجمه عربی شاهنامه و دیگر آثار منشور باقی مانده اش دانسته می شود و درباره استواری اشعارش

ذهبی و الذیل علی الروضتین ابوشامه، تاریخ درگذشت بنداری ربیع الاول ۶۴۳ق نوشته شده است (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۹: ۹۹-۱۰۰). البتّه در قلائد الجمان رقم دهگان سال وفات بنداری کاملاً خوانا نیست و دکتر شفیع کدکنی نوشته‌اند:

[این کلمه] محدود میان اربعین و خمسین است زیرانی تواند بیرون از این دو باشد. مؤلف خود تصریح کرده است که بنداری را در ششصد و چهل دیده است. اگر در همان سال در گذشته باشد کلمه مورد بحث می‌تواند ثلثه و اربعین و ستمه باشد و گرنه باید «خمسین» باشد. هر چند با تصریح ابوشامه و ذهبی دیگر جایی برای قرائت خمسین باقی نمی‌ماند. (همان: ۱۰۰، پانویس ۲)

نوشته مجمع الآداب هم سند دیگری است که سال ۶۴۳ق را تأیید می‌کند، متنها ابن فوطی ماه مرگ بنداری را به جای ربیع الاول مذکور در سایر منابع، ربیع الآخر/ثانی گفته است.

منابع

- آذرنوش، آذرتاش (۱۳۸۳). «بنداری». در: دائرةالمعارف بزرگ اسلامی. تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۲، ص ۵۷۷-۵۸۱.
- ابن فوطی شیبانی، کمال‌الدین ابوالفضل (۱۴۱۶ق). مجمع الآداب فی معجم اللقب. تحقیق محمد کاظم. طهران: وزارة الثقافة والارشاد الاسلامی.
- کمال اسماعیل اصفهانی، ابوالفضل کمال‌الدین (۱۳۴۸). دیوان. به اهتمام حسین بحر العلومی. تهران: کتابفروشی دهخدا.
- افشار، ایرج (۱۳۹۰). کتابشناسی فردوسی و شاهنامه (از آغاز نوشته‌های پژوهشی تا سال ۱۳۸۵). تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- خالقی مطلق، جلال (۱۳۸۱). «اهمیت و خطر مآخذ جنبی در تصحیح شاهنامه». در: سخنهای دیرینه. به کوشش علی دهباشی. تهران: افکار، ص ۲۸۵-۳۱۲.
- رحیم‌لو، یوسف (۱۳۸۵). «ابن فوطی». در: دائرةالمعارف بزرگ اسلامی. چاپ سوم. تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۴، ص ۴۲۲-۴۲۷.

صورت گرفته است و از این روی احتمالاً دستنویسی هم که ابن فوطی دیده مربوط به حدود همان سال‌ها بوده است؛ اما نکته مهم چگونگی دسترسی ابن فوطی به چنین نسخه‌ای است، زیرا فرض بر این است که این دستنویس به سبب اقامت بنداری در دمشق و تقدیم کردن ترجمه به فرمانروای ایوبی شام، در کتابخانه به اصطلاح سلطنتی ملک معظم در دمشق نگهداری می‌شده است. از سوی دیگر، در گزارش احوال ابن فوطی اشاره‌ای به سفر او به دمشق دیده نمی‌شود (برای مسافرت‌های ابن فوطی نک. رحیم‌لو، ۱۳۸۵: ۴۲۲-۴۲۳). از این روی باید با نهایت احتیاط حدس زد که شاید این نسخه در کتابخانه ارزشمند رصدخانه مراغه بوده، و ابن فوطی - که سال‌ها کتابدار آنجا بوده - آن را در این کتابخانه دیده است.

۴. ظاهراً از میان منابع قدیم، تاریخ ولادت بنداری (بانزدهم شعبان ۵۸۶ق) فقط در قلائد الجمان آمده است (نک. شفیع کدکنی، ۱۳۸۹: ۱۰۰). تصریح به این تاریخ دقیق در مجمع الآداب آن را به طور قطعی تأیید می‌کند و دیگر نباید در این باره تردید کرد. همچنین پاسخ این پرسش دکتر آذرنوش نیز معلوم می‌شود، که نوشته‌اند:

... اما ۵۸۶ق که زرکلی و جلیلی به عنوان تاریخ ولادت او ذکر کرده‌اند، معلوم نیست که از کجا به دست می‌آید. (آذرنوش، ۱۳۸۳: ۵۷۷)

۵. درباره تاریخ رفتن بنداری از اصفهان به دمشق، در نوشته‌های قدما و تحقیقات معاصران یا مطلبی نوشته نشده است و یا آن را در ۶۲۰ق دانسته‌اند (آذرنوش، ۱۳۸۳: ۵۷۷). نخستین بار ابن‌الشعار در قلائد الجمان نوشته که بنداری در محرم ۱۷ق از اصفهان به دمشق آمده (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۹: ۱۰۰) ولی گزارش ابن فوطی در این باره با او متفاوت است. او این مهاجرت را در سال ۶۱۴ق دانسته است. فعلاً قرینه تاریخی خاصی برای ترجیح یکی از این دو سال نداریم، و فقط به صرف قدمت قلائد الجمان - نسبت به مجمع الآداب - و معاصر بودن ابن‌الشعار با بنداری و دیدارش با وی، شاید بتوان تاریخی را که او آورده (۶۱۷ق) معتبرتر دانست.

۶. در شماری از مآخذ کهن، مانند قلائد الجمان، تاریخ الاسلام

- شفیع کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۴). «قدیم‌ترین ترجمه شاهنامه». در: یشت فرزانی (جشن‌نامه دکتر محسن ابوالقاسمی). به اهتمام سیروس نصرالله زاده و عسکر بهرامی. تهران: هرمس، ص ۳۳۷-۳۴۱.

- شفیع کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۹). «بنداری اصفهانی، مترجم شاهنامه، نویافته‌هایی از احوال و آثار او». در: پژوهش‌های ایران‌شناسی (آفرین‌نامه). به خواستاری دکتر محمدرضا شفیع کدکنی و ایرج افشار، به کوشش نادر مطلبی کاشانی. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ج ۲۰، ص ۹۸-۱۰۳.

- میزوکامی، ریو (۱۳۹۵). «نگاهی به زندگی و فعالیت‌های علمی ابن فوطی». آینه پژوهش، سال بیست‌وهفتم، ش ۱ (پیاپی ۱۵۷)، فروردین و اردیبهشت، ص ۲۰-۴۳.

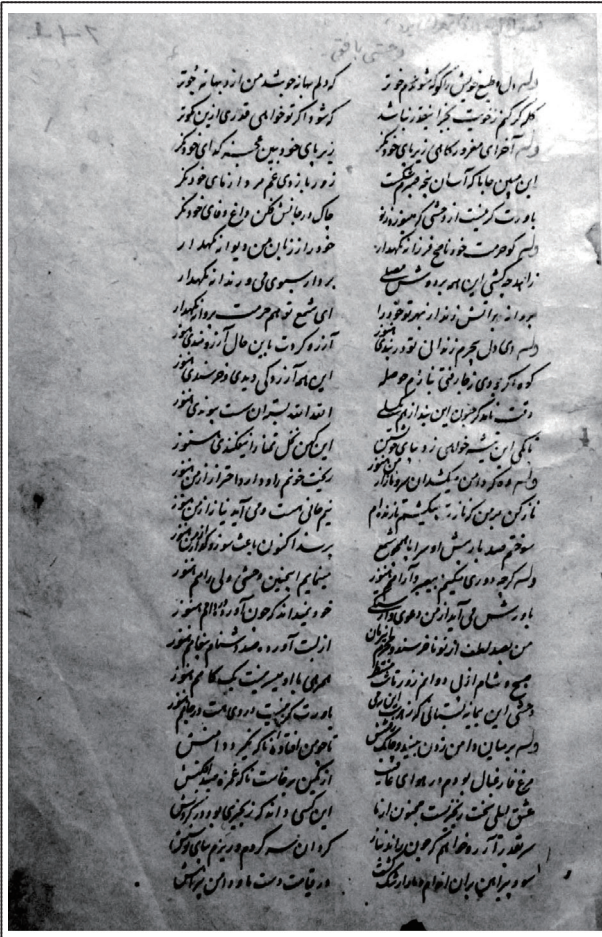
- ناجی، محمدرضا (۱۳۹۱). «عمادالدین کاتب اصفهانی». در: دانشنامه زبان و ادب فارسی. به سرپرستی اسماعیل سعادت. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ج ۴، ص ۶۷۴-۶۷۹.

- یاحقی، محمدجعفر (۱۳۹۱). «شاهنامه بنداری». در: دانشنامه زبان و ادب فارسی. به سرپرستی اسماعیل سعادت. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ج ۴، ص ۱۲۶-۱۲۹.



آثار دست چاپ

خلاصه الأشعار وزبدة الافکار
[بخش یزد و کرمان و نواحی آن]



میر تقی‌الدین محمد بن شرف‌الدین علی حسینی، کاشانی معروف به «میرتذکره» و متخلص به «ذکری»، خلاصه الأشعار وزبدة الافکار را در زمانی نزدیک به ۴۰ سال (از ۹۷۶ تا ۱۰۱۶ ق) جمع‌آوری کرد. خاتمه این اثر، در بردارنده شرح حال بیش از ۴۱۰ تن از شاعران سده دهم هجری است، که از ۱۲ اصل تشکیل شده و هر اصل به یکی از شهرها و نواحی جغرافیایی مختلف ایران اختصاص یافته است. بخش یزد و کرمان از این اثر به تصحیح سید علی میرافضلی و توسط انتشارات میراث مکتوب به زودی منتشر خواهد شد.